خبر

هشدار سازمان ملل درباره بحران جهانی غذا

تنگه هرمز که در ماه‌های اخیر به یکی از کانون‌های اصلی تقابل نظامی و سیاسی ایران و آمریکا تبدیل شده، اکنون با پیامدهایی فراتر از بازار انرژی و تجارت نفت روبه‌رو است. اختلال در عبور کشتی‌های حامل کود شیمیایی از این آبراه راهبردی، نگرانی‌ها درباره شکل‌گیری یک بحران جهانی غذا را افزایش داده است؛ بحرانی که به گفته مقام‌های سازمان ملل می‌تواند میلیون‌ها نفر را در کشورهای آسیب‌پذیر با گرسنگی و فقر مواجه کند. در همین راستا، سازمان ملل از تهران و واشنگتن خواسته است بدون انتظار برای دستیابی به توافق جامع سیاسی، امکان عبور محدود و موقت محموله‌های کود شیمیایی را فراهم کنند.

به گزارش یورونیوز، ژرژ موریرا دا سیلوا، رئیس دفتر خدمات پروژه‌ای سازمان ملل متحد و هماهنگ‌کننده کارگروه این سازمان درباره تنگه هرمز، در حاشیه اجلاس اقلیمی کاپ ۳۱ در آنتالیای ترکیه، خواستار اقدام فوری ایران و آمریکا برای تسهیل عبور کشتی‌های حامل کود شیمیایی شد.

او تأکید کرده است که مذاکرات دو کشور برای دستیابی به توافقی جامع باید ادامه یابد، اما حل بحران انسانی و اقتصادی ناشی از محدودیت کشتیرانی نباید به نتیجه این مذاکرات موکول شود. پیشنهاد سازمان ملل، ایجاد یک سازوکار استثنایی، محدود و زمان‌بندی‌شده برای عبور محموله‌های کود است.

اهمیت این درخواست زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم پیش از آغاز بحران، حدود یک‌سوم کودهای شیمیایی مصنوعی مورد نیاز جهان از تنگه هرمز عبور می‌کرد. اکنون اختلال در این مسیر، زنجیره تأمین نهاده‌های کشاورزی را با مشکلات جدی مواجه کرده و قیمت بسیاری از انواع کود شیمیایی را حدود ۳۰ درصد افزایش داده است.

موریرا دا سیلوا هشدار داده است که ادامه این وضعیت می‌تواند پیامدهایی فراتر از افزایش قیمت نهاده‌های کشاورزی داشته باشد. به گفته او، اگر کمبود کود باعث از دست رفتن فصل‌های کشت در مناطق مختلف جهان شود، حدود ۴۵ میلیون نفر ممکن است با ناامنی غذایی شدید و حاد مواجه شوند و ۳۰ میلیون نفر دیگر نیز به زیر خط فقر سقوط کنند.

سودان، سومالی، کنیا، موزامبیک، نپال، بنگلادش و سریلانکا از جمله کشورهایی هستند که بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر این بحران دارند. گزارش‌ها همچنین از دو برابر شدن قیمت مواد غذایی در سودان حکایت دارد.

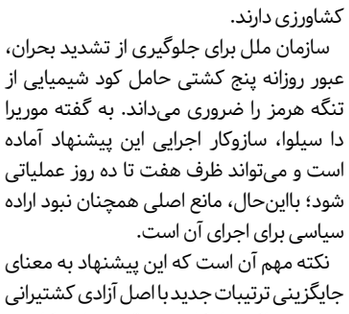
این وضعیت نشان می‌دهد که اختلال در یک گذرگاه دریایی منطقه‌ای می‌تواند به‌سرعت به مسئله‌ای جهانی تبدیل شود؛ به‌ویژه آنکه کشورهای کم‌درآمد معمولاً توان محدودی برای جبران افزایش هزینه واردات نهاده‌های کشاورزی دارند.

سازمان ملل برای جلوگیری از تشدید بحران، عبور روزانه پنج کشتی حامل کود شیمیایی از تنگه هرمز را ضروری می‌داند. به گفته موریرا دا سیلوا، سازوکار اجرایی این پیشنهاد آماده است و می‌تواند ظرف هفت تا ده روز عملیاتی شود؛ بااین‌حال، مانع اصلی همچنان نبود اراده سیاسی برای اجرای آن است.

نکته مهم آن است که این پیشنهاد به معنای جایگزینی ترتیبات جدید با اصل آزادی کشتیرانی نیست، بلکه راهکاری موقت برای کاهش خسارات انسانی و اقتصادی در دوره ادامه مذاکرات تهران و واشنگتن محسوب می‌شود.

در نهایت، درخواست سازمان ملل نشان می‌دهد که پیامدهای بحران هرمز دیگر به درآمدهای نفتی، قیمت انرژی یا امنیت نظامی محدود نیست. کشاورزی و امنیت غذایی نیز به‌طور مستقیم تحت تأثیر این تقابل قرار گرفته‌اند.

اکنون ایجاد یک مسیر امن و محدود برای انتقال کود شیمیایی می‌تواند به آزمونی برای ظرفیت دیپلماسی در مدیریت بحران تبدیل شود. اگر تهران و واشنگتن بتوانند درباره چنین سازوکاری به تفاهم برسند، حتی بدون حل اختلافات بنیادین، امکان کاهش بخشی از فشارهای انسانی و اقتصادی فراهم خواهد شد. در غیر این صورت، هزینه ادامه تقابل ممکن است در نهایت نه فقط در اقتصاد منطقه، بلکه بر سفره میلیون‌ها نفر در کشورهای دور از میدان درگیری نیز نمایان شود.



دموکرات‌ها معاملات خانواده ترامپ و شرکای عرب واشنگتن را زیر ذره‌بین بردند

سایه کنگره بر امپراتوری اقتصادی ترامپ

گروه بین‌الملل - پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، علاوه بر تغییر موازنه سیاسی در واشنگتن، چشم‌انداز تازه‌ای از رویارویی میان کنگره و کاخ سفید را ترسیم کرده است. درحالی‌که دونالد ترامپ با پیامدهای سیاسی این انتخابات مواجه است، قانون‌گذاران دموکرات خود را برای آغاز تحقیقات گسترده درباره فعالیت‌های اقتصادی خانواده رئیس‌جمهوری آماده می‌کنند. دامنه این بررسی‌ها از قراردادهای دفاعی و سرمایه‌گذاری در صنایع راهبردی تا معاملات ارزهای دیجیتال و مناسبات مالی با کشورهای عربی خلیج فارس امتداد دارد. موضوعی که می‌تواند پرونده منافع تجاری خانواده ترامپ را به یکی از محورهای اصلی اختلافات سیاسی آمریکا تبدیل کند و روابط واشنگتن با برخی متحدان منطقه‌ای خود را نیز تحت تأثیر قرار دهد.



دموکرات‌های کمیته‌های نظارت و قضایی مجلس نمایندگان آمریکا جمع‌آوری اطلاعات درباره فعالیت‌های تجاری پسران ترامپ را آغاز کرده‌اند؛ اقداماتی که در آستانه آغاز دوره جدید کنگره صورت می‌گیرد

آغاز فصل تازه نظارت کنگره

به گزارش ان‌بی‌سی نیوز، دموکرات‌های کمیته‌های نظارت و قضایی مجلس نمایندگان آمریکا جمع‌آوری اطلاعات درباره فعالیت‌های تجاری پسران ترامپ را آغاز کرده‌اند. این اقدامات در آستانه آغاز دوره جدید کنگره صورت می‌گیرد؛ زمانی که اکثریت دموکرات می‌تواند از اختیارات گسترده‌تری برای احضار شاهدان و مطالبه اسناد استفاده کند. رابرت گارسیا، از چهره‌های دموکرات مجلس نمایندگان، اعلام کرده که بررسی معاملات خانواده ترامپ را با استفاده از ابزارهای نظارتی موجود دنبال خواهد کرد. ریچارد بلومنتال، سناتور دموکرات، نیز فعالیت‌های اقتصادی این خانواده را در اولویت بررسی‌های آینده قرار داده است. بااین‌حال، آغاز تحقیقات به معنای اثبات تخلف نیست. ترامپ و پسرانش اتهامات مربوط به سوءاستفاده از جایگاه ریاست‌جمهوری را رد کرده‌اند. نمایندگان آنها تأکید دارند که مشارکت اقتصادی پسران رئیس‌جمهوری عمدتاً در قالب سرمایه‌گذاری غیرمدیریتی انجام شده و نقشی در اعطای قراردادهای دولتی نداشته‌اند.

از تجارت خانوادگی تا صنایع دفاعی

یکی از مهم‌ترین ابعاد پرونده، گسترش سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با خانواده ترامپ در حوزه‌های حساس اقتصادی و نظامی است. بر اساس گزارش ایسنا، این فعالیت‌ها از سال ۲۰۲۵ به بخش‌هایی مانند تولید پهپاد، موشک و استخراج مواد معدنی حیاتی گسترش یافته است. شرکت سرمایه‌گذاری «۱۷۸۹ کپیتال» که دونالد ترامپ جونیور از شرکای ارشد آن محسوب می‌شود، در تأمین مالی شرکت «ولکان المنتس» مشارکت داشته است. ولکان که در تولید آهنرباهای عناصر خاکی کمیاب فعالیت می‌کند، از دریافت وام ۶۲۰ میلیون دلاری پنتاگون و مشوق ۵۰ میلیون دلاری دولت فدرال خبر داده است. همچنین ارتباط اقتصادی پسران ترامپ با شرکت‌های فعال در تولید پهپاد و موشک، توجه قانون‌گذاران را جلب کرده است. شرکت‌های مرتبط تأکید دارند قراردادهایشان از مسیرهای قانونی و رقابتی منعقد شده و برخی از آنها پیش از بازگشت ترامپ به کاخ سفید نیز با دولت آمریکا همکاری داشته‌اند. مسئله اصلی برای کنگره، بررسی احتمال تعارض منافع میان موقعیت سیاسی رئیس‌جمهوری و فعالیت‌های اقتصادی نزدیکان اوست؛ موضوعی که بدون بررسی اسناد و فرایندهای تصمیم‌گیری نمی‌توان درباره آن نتیجه قطعی گرفت.

نگرانی در پایتخت‌های عربی

هم‌زمان با گسترش تحقیقات داخلی، روابط اقتصادی خانواده ترامپ با کشورهای عربی خلیج فارس نیز مورد توجه قرار گرفته است. به گزارش ایرنا به نقل از واشنگتن‌پست، دموکرات‌های کنگره به عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر درباره بررسی احتمالی معاملات مالی و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با خانواده ترامپ هشدار داده‌اند. در میان موضوعات مورد توجه، گزارش مربوط به ارائه یک هواپیمای لوکس به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار از سوی قطر و همچنین سرمایه‌گذاری امارات در یک شرکت فعال در حوزه ارزهای دیجیتال مرتبط با خانواده ترامپ قرار دارد. مقام‌های کشورهای عربی از قانونی و شفاف بودن روابط خود با دولت آمریکا دفاع کرده و اتهامات مربوط به تلاش برای کسب امتیاز سیاسی از طریق معاملات اقتصادی را رد کرده‌اند. بااین‌حال، احتمال مطالبه اسناد مالی و مکاتبات خصوصی از سوی کنگره، پرسش‌های تازه‌ای درباره حدود همکاری این کشورها با نهادهای نظارتی آمریکا ایجاد کرده است.

دیپلماسی در سایه معاملات مالی

اهمیت تحقیقات احتمالی صرفاً به ارزش قراردادها محدود نمی‌شود. عربستان، امارات و قطر از شرکای مهم امنیتی و اقتصادی واشنگتن هستند و روابط آنها با دولت آمریکا بر موضوعاتی مانند سرمایه‌گذاری، انرژی، همکاری‌های دفاعی و تحولات منطقه‌ای تأثیر می‌گذارد. واشنگتن‌پست گزارش داده که قانون‌گذاران دموکرات درباره پیامدهای احتمالی خودداری دولت‌های عربی از همکاری با تحقیقات هشدار داده‌اند. در مقابل، برخی دیپلمات‌های منطقه‌ای بعید می‌دانند این کشورها حاضر به ارائه مکاتبات خصوصی و اطلاعات حساس خود شوند. این اختلاف می‌تواند مسئله‌ای حقوقی و نظارتی را به موضوعی دیپلماتیک تبدیل کند. دولت‌های عربی از یک‌سو خواهان حفظ روابط نزدیک با کاخ سفید هستند و از سوی دیگر، نمی‌توانند نقش کنگره را در سیاست خارجی، بودجه و همکاری‌های دفاعی آمریکا نادیده بگیرند. در چنین شرایطی، نحوه پاسخ‌گویی آنها به درخواست‌های احتمالی قانون‌گذاران می‌تواند بر فضای روابط دوجانبه اثر بگذارد.

ارزهای دیجیتال؛ حلقه حساس پرونده

بخش دیگری از تحقیقات احتمالی به فعالیت‌های خانواده ترامپ در بازار ارزهای دیجیتال مربوط می‌شود. شرکت «ورلد لیبرتی فایننشال» و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با آن، از جمله موضوعاتی هستند که توجه دموکرات‌ها را جلب کرده‌اند. اهمیت این حوزه در آن است که فعالیت اقتصادی، مقررات مالی و تصمیم‌های دولت درباره نظارت بر بازار ارزهای دیجیتال ممکن است با یکدیگر تلاقی پیدا کنند. قانون‌گذاران می‌خواهند روشن شود آیا تصمیم‌های دولتی می‌توانند برای کسب‌وکارهای مرتبط با خانواده رئیس‌جمهوری منفعت ویژه ایجاد کنند یا خیر. البته وجود رابطه تجاری یا سرمایه‌گذاری به‌تنهایی اثبات‌کننده تخلف نیست. بررسی تعارض منافع نیازمند شناسایی تصمیم‌گیرندگان، مسیر انتقال منابع و میزان تأثیر احتمالی روابط سیاسی بر تصمیم‌های اقتصادی است.

آزمون تازه کاخ سفید

بازگشت دموکرات‌ها به اکثریت کنگره می‌تواند فضای نظارتی متفاوتی برای دولت ترامپ ایجاد کند. اختیارات احضار، برگزاری جلسات استماع و مطالبه اسناد، ابزارهایی هستند که امکان بررسی دقیق‌تر معاملات مورد اختلاف را فراهم می‌کنند. در مقابل، کاخ سفید نیز خود را برای مواجهه حقوقی و سیاسی با تحقیقات آماده می‌کند. گزارش‌ها از احتمال استفاده کارکنان دولت از مشاوره وکلای شخصی در برابر احضاریه‌های آینده حکایت دارند. بااین‌حال، سرنوشت این پرونده‌ها به میزان دسترسی قانون‌گذاران به اسناد، همکاری نهادهای دولتی و شواهد قابل ارائه بستگی خواهد داشت.

سیاست خارجی در ترازوی نظارت

آنچه پرونده تازه را متمایز می‌کند، پیوند هم‌زمان سه حوزه سیاست داخلی، منافع اقتصادی خانوادگی و روابط خارجی آمریکاست. تحقیقات درباره قراردادهای دفاعی می‌تواند پرسش‌هایی درباره تخصیص منابع عمومی ایجاد کند و بررسی معاملات کشورهای عربی نیز حساسیت‌های دیپلماتیک تازه‌ای به همراه داشته باشد. برای دموکرات‌ها، این تحقیقات فرصتی برای اعمال نظارت بر دولت است؛ درحالی‌که ترامپ و نزدیکانش آن را در چارچوب اختلافات سیاسی با مخالفان خود ارزیابی می‌کنند. در نهایت، مسئله اصلی فراتر از رقابت حزبی است: چگونه می‌توان مرز میان فعالیت اقتصادی خصوصی و اختیارات عمومی را در بالاترین سطح قدرت سیاسی مشخص کرد؟

پاسخ این پرسش در ماه‌های آینده می‌تواند بر مناسبات کنگره و کاخ سفید و همچنین شیوه تعامل شرکای خارجی با دولت آمریکا تأثیر بگذارد. پرونده‌ای که از معاملات تجاری آغاز شده، اکنون به آزمونی برای شفافیت، نظارت و پاسخ‌گویی در ساختار سیاسی واشنگتن تبدیل شده است.

«ابتکار» از رقابت برای کرسی دبیرکل جدید سازمان ملل گزارش می‌دهد

حق وتو در برابر رأی جهان

ابتکار- درحالی‌که کمتر از دو ماه به پایان مأموریت آنتونیو گوترش در مقام دبیرکل سازمان ملل متحد باقی مانده، رقابت برای تعیین جانشین او به یکی از مهم‌ترین آزمون‌های دیپلماتیک این نهاد بین‌المللی تبدیل شده است. رأی‌گیری‌های محرمانه، مذاکرات پشت‌پرده و نقش تعیین‌کننده پنج عضو دائم شورای امنیت، بار دیگر پرسش‌هایی درباره میزان شفافیت و عدالت در انتخاب عالی‌ترین مقام اجرایی سازمان ملل مطرح کرده است. در شرایطی که جهان با بحران‌های امنیتی، جنگ‌های منطقه‌ای و اختلافات فزاینده میان قدرت‌های بزرگ مواجه است، انتخاب دبیرکل آینده صرفاً جابه‌جایی یک مقام اداری نیست؛ بلکه می‌تواند نشانه‌ای از وضعیت همکاری و رقابت در نظام بین‌الملل باشد. اکنون مسئله اصلی آن است که آیا قدرت‌های بزرگ می‌توانند بر سر چهره‌ای مورد توافق به تفاهم برسند یا اختلافات سیاسی، انتخاب جانشین گوترش را با بن‌بست مواجه خواهد کرد.

انتخابی در پشت درهای بسته

به گزارش الجزیره، روند انتخاب دبیرکل آینده سازمان ملل با مجموعه‌ای از رأی‌گیری‌های غیرعلنی، برگه‌های رنگی و رایزنی‌های دیپلماتیک همراه است.

شورای امنیت با برگزاری نظرسنجی‌های مقدماتی تلاش می‌کند میزان حمایت از نامزدها و احتمال مخالفت اعضای دائم را ارزیابی کند. بر اساس ماده ۹۷ منشور سازمان ملل، دبیرکل با توصیه شورای امنیت و تصمیم مجمع عمومی منصوب می‌شود. بااین‌حال، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که بخش تعیین‌کننده این فرایند در شورای امنیت شکل می‌گیرد. نامزد نهایی باید دست‌کم ۹ رأی موافق از ۱۵ عضو شورا کسب کند و هیچ‌یک از پنج عضو دائم، یعنی آمریکا، روسیه، چین، انگلیس و فرانسه، با رأی منفی مانع معرفی او نشوند. این سازوکار موجب شده انتخاب دبیرکل بیش از آنکه به رقابتی عمومی میان نامزدها شباهت داشته باشد، به فرایندی برای دستیابی به توافق میان قدرت‌های بزرگ تبدیل شود.

حق وتو؛ قدرت پنهان انتخاب

مهم‌ترین ویژگی این رقابت، تأثیر حق وتو بر سرنوشت نامزدهاست. حتی فردی که حمایت گسترده اعضای غیردائم شورای امنیت را در اختیار داشته باشد، در صورت مخالفت یکی از پنج قدرت دارای حق وتو نمی‌تواند به مرحله انتصاب برسد.

در چنین شرایطی، توانایی نامزدها برای جلب اعتماد قدرت‌های بزرگ، اهمیتی هم‌سنگ برنامه‌های مدیریتی و دیپلماتیک آنان پیدا می‌کند. از سوی دیگر، محرمانه بودن آرای مقدماتی به اعضای شورا اجازه می‌دهد بدون اعلام رسمی مواضع خود، درباره گزینه‌های مختلف مذاکره کنند. طرفداران این شیوه معتقدند محرمانگی می‌تواند زمینه مصالحه را فراهم کند. منتقدان اما بر این باورند که نبود شفافیت، امکان ارزیابی دلایل کنار گذاشته شدن نامزدها را کاهش می‌دهد و نقش سایر کشورهای عضو سازمان ملل را محدود می‌کند.

نامزدها و معادله قدرت

در میان چهره‌های مطرح برای جانشینی گوترش، نام‌هایی همچون ربکا گرینسپن، دبیرکل کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، و ماریا فرناندا اسپینوسا، رئیس پیشین مجمع عمومی، دیده می‌شود.

چهره‌هایی از آفریقا، آمریکای لاتین و دیگر مناطق جهان نیز در این رقابت حضور دارند. تنوع جغرافیایی و تجربه‌های متفاوت نامزدها، بحث درباره ویژگی‌های دبیرکل آینده را گسترده‌تر کرده است.

بااین‌حال، برخورداری از سابقه مدیریتی یا حمایت منطقه‌ای به‌تنهایی برای رسیدن به این جایگاه کافی نیست. هر نامزد باید از موانع سیاسی شورای امنیت عبور کند. در این میان، اختلاف دیدگاه قدرت‌های بزرگ درباره جنگ‌ها، تحریم‌ها، اصلاحات سازمان ملل و آینده چندجانبه‌گرایی می‌تواند بر ارزیابی آنان از نامزدها تأثیر بگذارد.

مطالبه دبیرکل زن

یکی دیگر از موضوعات مهم این دوره، درخواست برای انتخاب نخستین دبیرکل زن در تاریخ سازمان ملل است. از زمان تأسیس این نهاد در سال ۱۹۴۵، تمامی دبیرکل‌ها مرد بوده‌اند. افزایش حضور زنان در رقابت کنونی، مطالبه اصلاح این وضعیت را تقویت کرده است. حامیان این رویکرد معتقدند انتخاب یک زن می‌تواند نشانه‌ای از توجه بیشتر سازمان ملل به برابری جنسیتی و تنوع در مدیریت جهانی باشد.

بااین‌حال، جنسیت تنها یکی از معیارهای مورد بحث است. تجربه دیپلماتیک، توانایی مدیریت بحران، استقلال حرفه‌ای و امکان تعامل با دولت‌های مختلف نیز در ارزیابی نامزدها اهمیت دارد. ازاین‌رو، مسئله انتخاب دبیرکل زن با پرسش گسترده‌تری درباره ضرورت اصلاح ساختار تصمیم‌گیری سازمان ملل پیوند خورده است.

مجمع عمومی؛ نقش محدود اکثریت

اگرچه مجمع عمومی با حضور ۱۹۳ کشور عضو، مسئول انتصاب نهایی دبیرکل است، اما اختیار معرفی نامزد در دست شورای امنیت قرار دارد. تاکنون مجمع عمومی هیچ نامزد معرفی‌شده‌ای از سوی شورای امنیت را رد نکرده است. همین سابقه سبب شده منتقدان از محدود بودن نقش اکثریت کشورهای جهان در این انتخاب سخن بگویند. در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای افزایش شفافیت انجام شده است. معرفی رسمی نامزدها، انتشار برنامه‌های آنان و برگزاری نشست‌های عمومی از جمله اقداماتی است که امکان شناخت بهتر گزینه‌ها را فراهم کرده است. بااین‌حال، این اصلاحات هنوز نتوانسته‌اند اختیار تعیین‌کننده شورای امنیت و حق وتوی اعضای دائم را تغییر دهند. برخی کارشناسان پیشنهاد می‌کنند شورای امنیت به‌جای معرفی تنها یک نفر، چند نامزد را در اختیار مجمع عمومی قرار دهد تا کشورهای عضو امکان انتخاب واقعی داشته باشند.

خطر بن‌بست در نیویورک

یکی از نگرانی‌های مطرح‌شده، احتمال طولانی شدن مذاکرات و ناتوانی شورای امنیت در معرفی نامزد نهایی پیش از پایان مأموریت گوترش است. دوره دبیرکلی او در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۶ پایان می‌یابد و انتظار می‌رود جانشین وی از ابتدای سال آینده میلادی مسئولیت خود را آغاز کند. تجربه سال ۱۹۹۶ نشان می‌دهد که اختلاف قدرت‌های بزرگ می‌تواند روند انتخاب را پیچیده کند. در آن سال، پس از مخالفت آمریکا با ادامه دبیرکلی پطرس غالی، سرانجام کوفی عنان به‌عنوان گزینه مورد توافق معرفی شد. چنانچه این بار نیز توافق به تأخیر بیفتد، بحث درباره اداره موقت دبیرخانه و چگونگی حفظ استمرار مدیریتی سازمان ملل اهمیت بیشتری خواهد یافت.

آزمون اعتبار سازمان ملل

انتخاب دبیرکل آینده در مقطعی صورت می‌گیرد که کارآمدی سازمان ملل در مدیریت بحران‌های بین‌المللی با پرسش‌های جدی مواجه است. اختلاف قدرت‌های بزرگ در شورای امنیت، بارها تصمیم‌گیری درباره منازعات مهم را دشوار کرده است.

دبیرکل آینده باید ضمن حفظ استقلال جایگاه خود، توانایی گفت‌وگو با قدرت‌های بزرگ و دفاع از اصول منشور ملل متحد را داشته باشد. بااین‌حال، ساختار کنونی انتخاب نشان می‌دهد که استقلال دبیرکل از همان مرحله گزینش با محدودیت‌های سیاسی روبه‌روست. در نهایت، اهمیت این رقابت تنها در معرفی جانشین گوترش خلاصه نمی‌شود. شیوه انتخاب او نیز معیاری برای سنجش ظرفیت سازمان ملل در ایجاد توازن میان منافع قدرت‌های بزرگ و خواسته‌های اکثریت اعضاست. دبیرکل آینده هر فردی باشد، با این چالش اساسی مواجه خواهد بود که چگونه می‌توان در ساختاری متکی بر توافق قدرت‌های بزرگ، از منافع جمعی جامعه بین‌المللی دفاع کرد. این همان تناقضی است که انتخاب دبیرکل را به آزمونی برای آینده چندجانبه‌گرایی تبدیل کرده است.

خبر

گزارش «ابتکار» از تحولات تازه در جنگ یمن

کلید باب‌المندب در دست حوثی‌ها

ابتکار- عقب‌نشینی نیروهای وابسته به دولت یمن از مناطق مشرف به تنگه باب‌المندب، معادلات نظامی این کشور و امنیت تجارت دریایی منطقه را با تحول تازه‌ای مواجه کرده است. این جابه‌جایی که به تقویت موقعیت انصارالله در یکی از راهبردی‌ترین آبراه‌های جهان منجر شده، در شرایطی رخ می‌دهد که تنش‌های نظامی در خاورمیانه و اختلال در تردد کشتی‌ها از تنگه هرمز، نگرانی‌ها درباره آینده انتقال انرژی و کالا را افزایش داده است. اکنون تحولات یمن دیگر صرفاً به موازنه نیروهای داخلی محدود نیست، بلکه پیامدهای آن می‌تواند از سواحل دریای سرخ تا بازارهای جهانی انرژی گسترش یابد.

عقب‌نشینی از یک موقعیت راهبردی

به گزارش یورونیوز به نقل از رویترز، نیروهای جنوبی وابسته به دولت مورد حمایت عربستان سعودی، روز یکشنبه ۱۵ نوامبر اعلام کردند که از فرودگاه ذباب و منطقه باب‌المندب در غرب استان تعز عقب‌نشینی کرده‌اند.

این نیروها هدف از جابه‌جایی را تقویت امنیت عدن، حفاظت از استان‌های مجاور و بازآرایی خطوط مقدم اعلام کردند. بااین‌حال، خروج آنان از مناطق ساحلی، موقعیت نظامی انصارالله را در مجاورت تنگه باب‌المندب تقویت کرده است.

اهمیت این تحول به موقعیت جغرافیایی منطقه بازمی‌گردد. باب‌المندب دریای سرخ را به خلیج عدن متصل می‌کند و یکی از مسیرهای اصلی انتقال کالا میان آسیا و اروپا از طریق کانال سوئز به شمار می‌رود. بنابراین، تغییر موازنه نظامی در سواحل این تنگه می‌تواند بر محاسبات امنیتی شرکت‌های کشتیرانی و کشورهای وابسته به تجارت دریایی تأثیر بگذارد.

تحولات اخیر ادامه درگیری‌هایی است که طی ماه‌های گذشته در مناطق غربی یمن شدت گرفته است. نیروهای عدن در ماه اکتبر عملیات بازپس‌گیری مناطق ساحلی را آغاز کردند، اما پیشروی‌های انصارالله و عقب‌نشینی اخیر، وضعیت میدانی را تغییر داده است.

در چنین شرایطی، تمرکز نیروهای وابسته به عربستان بر دفاع از عدن نشان‌دهنده اهمیت حفظ مراکز سیاسی و نظامی جنوب یمن است. بااین‌حال، عقب‌نشینی از مناطق راهبردی ساحلی می‌تواند توان این نیروها را برای تأثیرگذاری بر امنیت دریای سرخ کاهش دهد.

این وضعیت همچنین احتمال تداوم درگیری‌ها در استان تعز و مناطق پیرامونی را افزایش می‌دهد؛ مناطقی که طی سال‌های گذشته از اصلی‌ترین کانون‌های جنگ داخلی یمن بوده‌اند.

یکی از مهم‌ترین ابعاد تحولات اخیر، هم‌زمانی افزایش نفوذ انصارالله در باب‌المندب با اختلال در تردد دریایی تنگه هرمز است. هرمز مسیر اصلی انتقال بخش مهمی از نفت و گاز صادراتی خلیج فارس محسوب می‌شود و باب‌المندب نیز ارتباط دریای سرخ با اقیانوس هند را برقرار می‌کند.

افزایش ناامنی در این دو گذرگاه می‌تواند هزینه بیمه کشتی‌ها، حمل‌ونقل کالا و انتقال انرژی را افزایش دهد. البته تسلط بر مناطق ساحلی لزوماً به معنای توقف کامل کشتیرانی نیست، اما توانایی تأثیرگذاری بر امنیت مسیرهای عبور را افزایش می‌دهد.

در چنین‌وضعیتی، شرکت‌های کشتیرانی ممکن است برای کاهش مخاطرات، مسیرهای جایگزین طولانی‌تر را انتخاب کنند؛ تصمیمی که هزینه تجارت جهانی را افزایش خواهد داد.

هم‌زمان با این تحولات، حملات انصارالله به زیرساخت‌های عربستان سعودی نیز ادامه یافته است. به گزارش یورونیوز، بنادر، فرودگاه‌ها و تأسیسات نفتی آرامکو، از جمله پایانه صادراتی ینبع، در ماه‌های اخیر هدف حملات قرار گرفته‌اند. عربستان نیز در پاسخ، مواضع انصارالله در یمن را بمباران کرده است. تداوم این رویارویی می‌تواند امنیت صادرات نفت و زیرساخت‌های اقتصادی منطقه را با مخاطرات بیشتری مواجه کند.

برای ریاض، مسئله تنها کنترل مرزهای جنوبی نیست؛ بلکه حفظ امنیت مسیرهای صادرات انرژی و جلوگیری از گسترش بی‌ثباتی در دریای سرخ نیز اهمیت دارد.

در کنار پیامدهای نظامی و اقتصادی، تشدید درگیری‌ها وضعیت انسانی یمن را وخیم‌تر کرده است. شهر تعز همچنان با محدودیت شدید دسترسی به کمک‌های بشردوستانه مواجه است. براساس گزارش رویترز، حدود نیمی از ۳۰۰ هزار آواره دور تازه جنگ در این شهر حضور دارند و محاصره، ورود کمک‌ها و خروج غیرنظامیان را دشوار کرده است.

در نهایت، تحولات باب‌المندب نشان می‌دهد که بحران یمن به یکی از عوامل تأثیرگذار بر امنیت منطقه‌ای و تجارت جهانی تبدیل شده است. بااین‌حال، تثبیت امنیت این آبراه تنها از مسیر تغییر موازنه نظامی امکان‌پذیر نیست و به کاهش تنش‌های منطقه‌ای و دستیابی به راه‌حلی سیاسی برای جنگ یمن نیز وابسته خواهد بود.

چرا بحران مالی فرانسه زنگ خطری برای اقتصاد غرب است؟

کلاف سردرگم بودجه در قلب اروپا

نظام تأمین اجتماعی و بودجه‌ریزی در فرانسه بار دیگر به نقطه عطفی بحرانی و پرتنش تبدیل شده است. در حالی که بحران کسری بودجه، دولت و پارلمان فرانسه را در بن‌بستی عمیق فرو برده، این پرسش جدی در محافل اقتصادی جهان مطرح است: آیا دومین اقتصاد بزرگ منطقه یورو توانایی مدیریت هزینه‌های سنگین رفاهی خود را در سال‌های پیش رو دارد؟

به گزارش ایرنا به نقل از خبرگزاری فرانسه، لایحه جنجالی بودجه تأمین اجتماعی پس از شکست در مجلس ملی این کشور، اکنون راهی سنا شده است تا در ۱۸ نوامبر ۲۰۲۶ (۲۷ آبان ۱۴۰۵) به رأی گذاشته شود. متنی که کارشناسان آن را نه صرفاً یک سند مالی، بلکه بهانه‌ای برای «کاهش تدریجی هزینه‌ها» توصیف می‌کنند؛ رویکردی که به گفته تحلیلگران، دیگر از نظر سیاسی «غیرقابل تحمل» شده است.

نمای نزدیک از یک بن‌بست سیاسی

در سیستم سیاسی فرانسه، تأمین اجتماعی ستون فقرات مدل رفاهی این کشور به شمار می‌رود. با این حال، تعارض میان خواست دولت برای انقباض مالی و مقاومت شدید نمایندگان و سندیکاها، این حوزه را به میدان جنگ سیاسی بدل کرده است. به گزارش ایرنا، فردریک بیزار(Frédéric Bizard)، اقتصاددان برجسته و رئیس انستیتو سلامت، در گفتگو با رادیو بین‌المللی فرانسه (RFI) با اشاره به این چالش‌ها تأکید می‌کند که مدل سنتی حمایت اجتماعی در فرانسه تحت فشار فزاینده‌ای قرار دارد. وی هشدار می‌دهد که تداوم رویکرد فعلی در کاهش هزینه‌ها، شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر کرده و ثبات سیاسی کشور را به مخاطره می‌اندازد.

بحرانی فراتر از مرزهای فرانسه

بن‌بست بودجه در پاریس را نباید صرفاً یک کشمکش داخلی پارلمانی دید؛ سه کانون توجه، این پرونده را به موضوعی با دامنه اثر بین‌المللی بدل می‌کند:

۱. بن‌بست تأمین اجتماعی، تنگنای ساختاری دولت‌های رفاهی

آنچه در فرانسه رخ می‌دهد، یک استثنای ملی نیست. بر پایه ارقام همین پرونده، کسری صندوق تأمین اجتماعی قرار است از ۲۱,۸ میلیارد یورو در ۲۰۲۶ به ۱۲,۷ میلیارد یورو در ۲۰۲۷ کاهش یابد؛ هدفی که به گزارش رادیو بین‌المللی فرانسه، تحقق آن با «کاهش قطره‌چکانی هزینه‌ها» به نقطه‌ای رسیده که از نظر سیاسی تحمل‌پذیر نیست. این ترکیب — پیری جمعیت، تورم هزینه‌های سلامت و محدودیت مالی — الگویی مشترک در اقتصادهای پیشرفته است و پرونده فرانسه یکی از مستندترین نمونه‌های آزمون آن به شمار می‌رود.

۲. نقش فرانسه در معادلات اروپا

فرانسه یکی از دو موتور تصمیم‌گیری در اتحادیه اروپا است. هر بن‌بست مالی داخلی، توان چانه‌زنی و ابتکارعمل پاریس را در پرونده‌های کلان منطقه — از سیاست‌های مشترک مالی تا امنیت قاره — محدود می‌کند و توازن قدرت درون اتحادیه را به آزمون می‌گذارد.

۳. هزینه سیاسی سیاست‌های تعدیل

رد بخش درآمدی لایحه در مجمع ملی با رأی ۱۱۵ مخالف در برابر یک موافق و تصویب شکننده آن در سنا، شکاف میان نهادهای انتخابی و برنامه‌های مالی دولت را آشکار می‌کند. این ناهماهنگی، هزینه سیاسی اصلاحات را بالا می‌برد و بستر نارضایتی اجتماعی و اعتصابات را تقویت می‌کند.

در آستانه رأی‌گیری رسمی سنا در ۱۸ نوامبر ۲۰۲۶ (۲۷ آبان ۱۴۰۵)، نتیجه این پرونده تنها برای پاریس تعیین‌کننده نیست؛ بلکه آزمونی است از ظرفیت دولت‌های اروپایی برای مدیریت بحران‌های مالی زیر فشار انتظارات اجتماعی.

